

## موسیقی نظامی

و

### سابقه تاریخی آن در ایران

نوشته حسینعلی ملاح

بشر از آنزمان که به تاثیر موسیقی در روان آدمی پی برد بر آن شد که از این پدیده برای تحریک یا تلطیف و یا تهییج احساسات و عواطف انسانی بهره برگردد. نشانه‌های این بهره‌گیری، طی هزاران سال تمدن بشری در زمینه‌های مذهبی و بزمی و رزمی به نیکوئی مشهود است: مراسم آیینی و جشن‌های سرودهای ودائی، مزامیرداود، گاتها، «ویسنا»ها و تجوید، نمونه‌های معتبری در بهره‌گیری از موسیقی جهت مضاعف ساختن تاثیر آیات آسمانی است. دست افشانی‌ها و پایکوبیها و سرودگوئیها و ترانه‌سرانی‌ها یون دیگری از نشانه‌های این ثمرگیری است. سازهایی مانند: کرمیل، کرنا، بوق، گاودم، برغو، آینه پیل، کوس، دهل، سنج، تبیر، درای، جرس و مانند اینها گونه دیگری از نشانه‌های این بهره‌برگرفتن است. در اینجا سخن در باب موسیقی رزمی یا، بنابه اصطلاح متداول در این

روزگار ، «موزیک نظامی» است - محض آنکه مواضع درهم نشود بر آن شده که ابتدا اشاره‌ای به سابقه تاریخی موسیقی نظامی بکند و سپس در باب آلات موسیقی متداول در اعصار مختلف سخن بگوید :

### سابقه تاریخی

از آن زمان که طوایف ساکن فلات گسترده ایران تحت لوای یک حکومت و زیر فرمان شاهنشاهی توانا قرار گرفت و قوانین مدنی تدوین گردید و پیکار با بیگانگان تحت فرماندهی واحدی درآمد، سپاهگیری نیز انتظامی یافت و واحدهای نظامی تحت شرایطی خاص از آموزش بهره بر گرفتند - مبداء این تاریخ را می‌بایست حدود دوهزار و پانصد سال پیش از این ، یعنی دوران سلطنت کوروش کبیر، دانست .

پیش از این زمان، در پیکارها جهت مرغوب ساختن دشمن و به منظور تهییج سپاهیان ، به اندیشه برقراری انتظامی در پورشها و گریزها و تدابیر دیگر جنگی از آلات موسیقی بادی و کوبه‌ای پرصدا مانند انواع شیپورها و طبلها استفاده می‌کردند ، ولی در عصر هخامنشیان که اثر بخشی این پدیده هنری محرز شده بود ، به نحوی جدی و تحت نظمی خاص بهره بر گرفته شد.

### آموزش موسیقی نظامی

«گزنفون» (Xénophone) در باب جنگ کوروش با سربازان پادشاه لیدی بنام «کرزوس» نوشته است: «کوروش طوری از کشته شدن سربازان طبری و طالشی مغموم گردید که بعد از جنگ و سقوط آن شهر، برای مرگ سربازان مازندرانی و طالشی سرود عزای ترنم کرد. و این همان سرود است که در ادوار بعد به اسم سرود: مرگ سیاوش خوانده شد و ایرانیان در هر عزای بزرگ، آن سرود را ترنم می‌کردند.»

همین مورخ در جای دیگر نوشته است: «کوروش هنگام حمله به قشون آشور، بنا بر عادت خود سرودی آغاز کرد که سپاهیان با صدای بلند و با احترام و ادب زیاد آنرا بخواندند و چون سرود به پایان رسید آزاده‌ردان با قدم‌های مساوی و بانظم تمام، براه افتادند.»

گزنفون در جای دیگر نوشته است: «کوروش برای حرکت سپاه چنین

دستور داد که : صدای شیپور علامت حرکت و عزیمت خواهد بود ، و همینکه صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان حاضر باشند و حرکت کنند.» پس از چند سطر چنین میخوانیم : «... در نیمه شب که صدای شیپور عزیمت و رحیل بلند شد ، کورش سردار سپاه را فرمان داد تا با همراهان خود در جلوی صفوف سپاهیان قرار گیرد ، بعد کورش می گوید : همینکه به محل مقصود رسیدم و حملات دوسپاه نزدیک شد سرود جنگی را میخوانم و شما بی درنگ جواب مرا بدهید ... در موقع حمله چنانکه گفته بود ، کورش سرود جنگ را آغاز کرد و سپاه همگی با وی هم آواز شدند.»

بعدها ، «امی بن مارسلن» (Ammien Marcellin) مورخ رومی نوشت : «... واحدهای پیاده ایرانی شهر آمید را بانوای شیپور در محاصره گرفتند...»

«الیزه لانگلو» (Elisée Langlois) مورخ ارمنی در کتاب مجموعه تاریخ ارمنستان نوشته است : «به سربازان ایرانی فرمان داده شد که حمله خود را با صدای شیپور آغاز کنند.»

مطالبی که نقل شد میتواند مبین نکات زیر باشد:

الف : در جنگها و پیکارهای عصر هخامنشیان سرودهای رزمی خوانده میشده و سازهایی مانند شیپور نواخته میشده است.

ب : بی شک ابداع الحان رزمی قواعد و اصولی داشته که از طرف آهنگسازان و موسیقی دانان رعایت میشده است.

ج : برای ساختن سازهای رزمی بی شک سازگرانی متخصص وجود داشته اند.

تردیدی نیست که سرودهای رزمی ، پیش از پیکار در سربازخانهها به سپاهیان آموخته می شده است. بنابراین برای آموزش سرودهای جنگی واحد ویژه ای وجود داشته است . همچنین بی تردید میتوان گفت که : نوازندگان آلات بادی و کوبه ای رزمی ، نیز اصول نوازندگی این سازها را در واحدهای آموزش موسیقی نظامی برعهده آن بوده است فرا می گرفته اند.

ه : اما به سبب عدم دسترسی به مدارک معتبر نمی توان گفت که : لحن و آهنگ این سرودها چه بود. و چه کسی آفریننده آنها بوده است. شکی نیست که لحن شیپور بیدارباش با آهنگ شیپور یورش و حمله تفاوت آشکار داشته ، و یقیناً لحن شیپور هزیمت و لحن شیپور پیروزی گونه دیگری بوده است .

ناگزیر باید پذیرفت که برای ابداع این الحان و آموختن آنها به دیگران از افرادی آزموده و آشنا به قواعد و اصول موسیقی مدد می‌گرفته‌اند. اینان چه نام داشته‌اند و آهنگسازی را از که آموخته بودند؟ - بر مامجهول است، ولی این عدم آگاهی مخمل بهره‌گیری ما، مبنی بر اینکه برای آموزش موسیقی نظامی واحد ویژه‌ای وجود داشته است، نیست.

بهر تقدیر باید گفت که استفاده از موسیقی رزمی در ادوار بعد همچنان متداول بوده است با این تفاوت که در طول سالیان دراز ساختمان سازها تکمیل گشته و از نظر شکل ظاهر در گون گون شده و نام‌های گوناگونی بخود گرفته است که در مبحث سازهای رزمی بدان اشاره خواهد شد.

### نوبت زدن

موسیقی نظامی ایران تا عصر قاجاریه (سلطنت ناصرالدین شاه) که سازهای بادی اروپائی به ایران آمد با همان سازهایی اجرا میشد که در دوره اسلامی به آنها «اسباب نوبت زدن» یا «آلات نقاره» می‌گفتند.

این بنده می‌پندارد که الفاظ «خنیاکر» و «رامشگر» عنوانهایی بوده است برای خوانندگان و نوازندگان موسیقی مجلسی یا موسیقی بزمی، و کلمه «نوبت زن» در اعصار پیش از اسلام عنوانی بوده است برای نوازندگان موسیقی نظامی که در عصر قاجاریه به آنها «موزیکانچی - یا موزیکچی» می‌گفتند.

وجه تسمیه «نوبت» تا آنجا که از مطالب تاریخ‌ها مستفاد می‌شود، از آن رو بوده است که این نوع موسیقی را در زمان‌های معین، و در نوبت، یا دفعات تعیین شده می‌نواختند، مانند: صبحگاه، نیمروز، و شامگاه؛ بهمین سبب عمل نواختن را «نوبت زدن» و مجری این نوع موسیقی را «نوبتی» یا «نوبت زن» می‌نامیدند، و از آنجا که کلمه «نوبت» و وجوه ترکیبی آن بازمان نواختن موسیقی در رزمگاه‌ها نیز توافق دارد میتوان احتمال داد که واژه‌ای است کهن و اصطلاحی است متداول در واحدهای نظامی اعصار گذشته.<sup>۱</sup>

نکته دیگر اینکه: این نوع موسیقی منحصر آدرس بازخانه‌ها و رزمگاه‌ها نواخته نمی‌شده، بلکه در تشریفات و مراسم خاصی که پادشاه و بزرگان قوم

۱ - بر نویسندگان تاریخ‌های نظامی است که در این باب پژوهش کنند و نظری دور از ظن و گمان ابراز بدارند.

حضور داشتند، نیز اجرا میشده است. مؤلف برهان نوشته: «نوبت بروزن شوکت، نقاره را گویند که در اوقات شب و روز نوازند و آن در زمان سکندر سه نوبت بود، بعد از آن چهار کردند، و در زمان سلطان سنجر پنج نوبت شد.»

در عصر صفویه در موارد زیر نقاره می‌زدند:

الف: هنگام غروب و سحر - «شاردن» نوشته است: «سمت سردربازار شاه، دوايوان سرپوشیده است که آنرا نقاره خانه خوانند و هنگام غروب و سحر بانقاره و کوس و دهل که قطر آن سه برابر قطر طبل‌های اروپاست می‌زنند» در جای دیگر می‌نویسد: «در محله خواجه هم کاخ نقاره چیان هندی است که در آن کرنا زنان و سایر نوازندگان هندی منزل دارند، شاه عباس دوم هنگام شکست مغول کبیر و فتح قندهار، عده‌ای از این نوازندگان را به همراه آورد و در این قصر که در آن هنگام خالی بود جای داد.»

بنابه گفته شاردن، شاه عباس دستور داده بود که در گوشه‌ای از میدان محله عباس آباد اصفهان نقاره خانه‌ای مانند نقاره خانه میدان شاه برپا کنند «... و بهنگام غروب آفتاب در آن نقاره بزنند و این یکی از امتیازات شهرهای بزرگ است.»

«تاورنیه»، سیاح و تاجر فرانسوی نوشته: «اول غروب آفتاب و نصف شب نقاره و کرنا مشغول دادن کنسر می‌شوند که صدایش در تمام شهر شنیده می‌شود» و در جای دیگر نوشته است: «در طلوع و غروب و نصف شب، در هر شهر جماعتی موظفند که يك ربع ساعت از اقسام آلات موسیك مثل نقاره و دهل و سرنا و سنج، کنسری بدهند. این جماعت می‌روند و در يك بلندی می‌ایستند که صدای نقاره‌شان به همه شهر برسد، يك قسم کرنا هم دارند که هفت هشت پا طول دارد و دهانش خیلی گشاد است... اما کرنا فقط در پایتخت و کرسی ایالت زده می‌شود.»

ب: در تشریفات دولتی و مراسم خصوصی - تاورنیه نوشته است: «... در تمام اعیاد و اوقاتی که شاه يك حاکم تازه یا صاحب منصب بزرگی

۱- سفرنامه شارون، باب شهر اصفهان - ترجمه حسین عریضی - چاپ

۱۳۳۰ ق. - صفحات ۳۱ - ۸۱ - ۹۸ - ۱۳۴ و ۱۴۱

۲- سفرنامه تاورنیه ترجمه ابوتراب نوری (نظم الدوله) چاپ ۱۳۳۱

۵. ق ص ۶۰۳

معین می کند نیز نقاره می کوبند. این نقاره چی ها حق دارند که بهرخانه ای که در آنجا اولاد ذکوری متولد شده باشد بروند و نقاره بزنند، صاحب خانه هم مجبور است مبلغی پول به آنها بدهد.»

در سفرنامه «برادران شرلی» آمده است که: «شاه عباس بزرگ، مارا در محل وسیعی که در وسط بازار بود وسکوئی داشت، مهمانی کرد، بعد با طبیل و نقاره، خوانچه های ضیافت بمیان آمد که ۲۴ نفر از نجبا می آوردند و وقتی طبال ها و نقاره چی ها رفتند، اهل طرب بمیان آمدند. بیست نفر زن با لباسهای فاخر میخواندند و به صدای موزیک میرقصیدند، وقتی جشن به انتها رسید، پادشاه برخاست و دست «سرآنتوان» بگیرفت و دست همینطور در کوچه های شهر می گشتند و آن بیست زن، از جلو میرفتند و آواز میخواندند و میرقصیدند...»<sup>۱</sup>

در دوره قاجاریه نقاره در موارد زیر نواخته میشده است :-

الف - در هر بامداد پیش از طلوع آفتاب و در شامگاه هنگام غروب خورشید.

ب : در روزهای عید که سلام رسمی منعقد می شد، در مواقعی که شاه بر تخت می نشست.

ج : در روز عید قربان (دهم ذیحجه)

د : هنگام شب - چنانکه معیر الممالک نوشته: «غروب آفتاب نقاره می کوبیدند. آنگاه يك ساعت از شب گذشته «طبل خبردار» می زدند و طبال در حین زدن، به دور خود می چرخید که صدا به تمام شهر برسد. ساعت دو، «طبل برچین» می زدند که کسبه شروع به برچیدن بساط و بستن دکانهای نمودند، ساعت سه «طبل بگیر و ببند» را زده شیپور ارگ را می کشیدند و درها بسته می شد.»<sup>۲</sup>

ه : شبهای ماه رمضان - معیر الممالک نوشته: «شب دونوبت طبیل و نقاره می کوفتند، يك بار آن از نیمه شب گذشته بود و آن را «طبل دم کردن سحری» می گفتند.»<sup>۳</sup>

۱- ص ۷۶-۷۵ سفرنامه برادران شرلی - به اهتمام احمد مشیرحضور -

چاپ ۱۳۳۰ ه. ق.

۲- یادداشتهایی از زندگانی خصوصی ناصرالدین شاه - ص ۲۵

۳- همان کتاب ص ۱۱۴

و : در روزهای اسب دوانی، از هنگامی که شاه سوار می شد تا وقتی که به پوش سلطنتی می رسید.

ز : در تعزیه تکیه دولت

این رسم همچنان ادامه داشت تا عصر درخشان پهلوی . عبدالله مستوفی نوشته است : «رضا شاه اولین حمله ای که به اساس سلطنت قاجاریه وارد آورد، تصرف نقاره خانه بود که بوسیله انتقال محل آن از «سردر ارگ» به سردر تازه ساز میدان مشق (همین سردری که اکنون در خیابان سپه ، جنب پستخانه واقع است)، این تصرف را عملی کرد و در حقیقت، علامت سلطنت را از مقر قدیم خود کند و به دسترس خود و تحت امر خویش گذاشت که توجه عامه را نسبت به اقتدار خود بیشتر جلب نماید.<sup>۱</sup>»

اولین بار که عنوان «موزیک شاه» یا «موزیک گارد سلطنتی» به این گروه داده شد، توسط «اوژن فلاندن» بود. او که در زمان سلطنت محمدشاه قاجار در ایران بوده نوشته است : «در موقع ورود به تهران از دور مشاهده کردیم که مقدمات تشریفات دربار جهت ورود سفیر فراهم گشته است. موزیک شاه مشغول نواختن بود و هر یک میخواست از خود ابتکاری بخرج دهد.<sup>۲</sup>» در جای دیگر نوشته است : «پس از این ضیافت در باری ، وزیر خارجه هم مهمانی دیگری در یکی از قصور سلطنتی ترتیب داد و در آنجا موزیک گارد سلطنتی که بالنسبه خوب بنظر می آمد ما را محظوظ کرد.»

### شعبه موزیک دارالفنون

وقتی ناصرالدین شاه قاجار به تخت سلطنت نشست (۱۲۲۶ شمسی مطابق با ۱۲۵۴ هجری قمری) بنا به پیشنهاد میرزا تقی خان امیر نظام (امیر کبیر)، وزیر کاردان خود موافقت کرد، بمنظور بالا بردن سطح فرهنگ مملکت، یک مدرسه عالی که در آن علوم جدید مانند ریاضی و مهندسی و طب و دارو سازی و فنون نظامی تدریس گردد، تأسیس شود. این مدرسه که در واقع حکم دانشگاه آن زمان را داشت بنام دارالفنون بسال ۱۲۶۸ ه. ق افتتاح شد.

در شعبه ای از دارالفنون، فنون نظامی به رسته های پیاده، سوار، توپخانه

۱- شرح زندگانی من ج : اول ص : ۵۶۳

۲- سفرنامه اوژن فلاندن . ص : ۹۲

و مهندسی تعلیم داده میشد.

چند سال بعد، وقتی ناصرالدین شاه مسافرتی به فرانسه کرد، از گروه اجراکنندگان موسیقی که در تشریفات رسمی قطعاتی اجرا می‌کرد بسیار خوش آمد و از مقامات فرانسوی خواست که برای تعلیم دادن موسیقی نظامی فرد وارد و صالحی را به ایران بفرستند. دولت فرانسه موسیقی‌دانی موسوم به «لومر» را به ایران فرستاد و از این‌زمان شعبه‌ای در مدرسه دارالفنون بنام «شعبه موزیک» تأسیس شد.

تأسیس این شعبه در دارالفنون دگرگونی‌هایی در شیوه موسیقی نظامی ایران و حتی اصطلاحات متداول در این رشته بوجود آورد که از آن جمله است موارد ذیل:

الف: کلمه «موزیک» بجای «نقاره خانه»؛

ب: کلمات: «موزیکچی و موزیکانچی» بجای نقاره‌چی؛

ج: بکارگرفتن اصطلاحات موسیقی متداول مغرب زمین در ایران؛

د: استفاده از سازهای بادی و کوبه‌ای وزهی غربی؛

و: آشنا شدن به تکنیک نوازندگی غربیان؛

ز: آشنا شدن با قواعد و اصول موسیقی غربی و

ح: آشنائی با شیوه آهنگسازی و هم آهنگی موسیقی نظامی مغرب

زمین.

---

۱- لازم به تذکار است که کلمات «موزیک و موزیکچی یا موزیکانچی» در حدود چهل سال پیش از آمدن لومر به ایران به معیت سفیر کبیر در سال ۱۸۱۷ م (سال بیستم سلطنت فتح‌المشاه قاجار مطابق با ۱۲۳۲ هـ. ق) تألیف موریس دو کوتزب-و Kotzebuë ترجمه محمود هدایت چاپ ۱۳۱۰) بکار رفته است. در این کتاب میخوانیم: «اما تفریح عباس میرزا این بود که موزیکچی‌های ما هر چه خواست برای او زدند و آلات موسیقی آنان را امتحان کرد و در موضوع استعمال هر یک توضیحات خواست.. ضمناً اظهار داشت که برای قشون، یک دسته موزیک به این شکل ترتیب خواهد داد، بعد، موزیکچی‌ها را به انعام شایان مفتخر فرموده روانه داشت.» آشکار است که اندیشه تأسیس مدرسه‌ای برای تعلیم موسیقی نظامی، در حدود چهل سال پیش از ناصرالدین شاه به‌مخیله عباس میرزا ولیعهد ایران رسیده بود. ولی متأسفانه مرگ بی‌هنگام و زودرس مهلت اجرای آن را به‌وی داده است.



منظور اساسی از تأسیس این شعبه، تربیت نوازندگان آلات موسیقی نظامی و مریانی برای اداره کردن دستجات موسیقی نظامی بود. شاگردان این شعبه که لباس نظامی به تن داشتند مشغول فراگرفتن تعلیمات موسیقی شدند، ولی از آنجا که معلمان اروپائی (لومر فرانسوی و گدار اطریشی) فارسی نمی‌دانستند، «میرزا علی اکبرخان نقاش‌باشی» (مزین الدوله) که معلم فرانسه و نقاشی دارالفنون بود بسمت مترجمی «لومر» منصوب گردید و درس موسیقی نظری او را که برای شاگردان می‌گفت، بطور سؤال و جواب به فارسی ترجمه میکرد بدین ترتیب اولین کتاب «تثوری موسیقی» را به سبک جدید با جمله‌های فرانسوی و ترجمه فارسی آنها نوشت و در چاپخانه دارالفنون بچاپ رسانید و در دسترس شاگردان مدرسه قرارداد (۱۲۶۱ شمسی مطابق ۱۳۰۱ ه. ق.)

دروس دیگر، مانند سرایش (Solfège) و تعلیم عملی آلات به وسیله معلم اروپائی بعمل می‌آمد و وسایل و اسباب و لوازم کار از قبیل آلات موسیقی نظامی هم که سفارش داده بودند از اروپا رسید و پس از چند سال يك دسته موزیک حاضر و آماده شده که در جشن‌ها و سلام‌های رسمی و هنگام پذیرائی و معرفی سفرا به حضور شاه برای اولین بار بجای نقاره خانه قدیم بکار رفت. و مسیولومر عنوان «موزیکانچی باشی» را پیدا کرد و در سفر سوم ناصر - الدین شاه به فرنگ در التزام بود. شاه در سفرنامه خود نوشته است: «داخل اکسپوزه ایرانی شدیم، یکی از فرنگیها از ما اجازه خواسته بود که اسبابهای ایران را خودش در اینجا اکسپوزه کند، ما هم اجازه دادیم. حالا او با مسیو لومر موزیکانچی باشی ما و مسیو ریشار معروف اینجا را بشراکت درست کرده‌اند. مسیو لومر و آن شخص فرنگی و مسیو ریشار حاضر بودند...» و در صفحه ۲۲ سفرنامه آمده است که: «دسته‌های موزیکانچی هم که يك دسته قرمز پوش و متعلق بهمین فوج و دسته دیگری سیاه پوش و متعلق به پلیس بودند، آمده حلقه زدند و شروع به زدن موزیکان کردند. نواهای فرح‌انگیز بسیار خوب می‌زدند؛ بطوریکه فرمودیم نوت آن نواها را برای ما بفرستند به طهران ببریم که موزیکانچی‌های ایران بزنند.»

در سالهای آخر دوره ناصری يك موسیقی‌دان فرانسوی دیگر موسوم به «دووال» Duval استخدام شد و به ایران آمد، نامبرده در نواختن ویلن

۱ - سفرنامه سوم ناصر این شاه به فرنگ. سال ۱۳۰۶ ه. ق. ص ۱

تخصص داشت و به تشکیل ارکستر آلات زهی اقدام کرد، دووال بیش ازدو سال در ایران نماند ولی در همین مدت شاگردانی تربیت کرد و تأثیرشگفتی در علاقه مردم نسبت به ساز ویلن بجا گذاشت .

مهمترین خدمت لومر به موسیقی نظامی ایران تربیت شاگردانی است که بعدها هریک مصدر خدمات ارزنده‌ای در این زمینه شده‌اند؛ خدمت دیگر لومر ، به نوت در آوردن چند آهنگ ایرانی (آواز چهارگاه ، همایون و ماهور) برای پیانو می‌باشد - که در حدود ۱۹۰۰ م در پاریس بچاپ رسیده است.<sup>۱</sup>

مسیولومر در دوره سلطنت مظفرالدین شاه نیز سمت موزیکانچی باشی و ریاست شعبه موزیک دارالفنون را برعهده داشته وحتی درسراول مظفر-الدین شاه به پاریس همراه پادشاه بوده است . در این سفرنامه (ص : ۵۱) آمده است که : «ناصر همایون و مسیولومر را که به پاریس فرستاده بودیم امروز آمده فرمایشات ما را ازبابت نوت‌های موزیک بخوبی انجام داده‌اند.» لومر در سال ۱۲۸۸ شمسی در تهران در گذشت و پس از مرگ او مدتی شعبه موزیک تعطیل شد و در اواخر همان سال مجدداً بریاست یکی از بهترین شاگردان لومر، موسوم به غلامرضاخان ( سالار معزز ) که سمت موزیکانچی باشی را داشت، تشکیل گردید .

ادامه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۱- يك نسخه از این نوتها در کتابخانه هنرستان موسیقی ملی مضبوط است و شامل قسمتی از آواز چهارگاه و همایون و ماهور با چند تصنیف و رنگ می‌باشد - لومر نیز مقدمه‌ای بزبان فرانسه بر آن نوشته و از شاگردش ناصر همایون که در جمع آوری و نوشتن آهنگها به او کمک کرده ، تشکر کرده است.